

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

تعریف و کارکرد سوپسید

مقدمه:

در ادبیات اقتصادی مکانیزم قیمت‌ها وظیفه تخصیص منابع محدود را میان فعالیتهای مختلف اقتصادی بر عهده دارد. این تخصیص در حالت رقابت کامل، کارائی را حداکثر می‌کند. طبق این مکانیزم هنگامی که تقاضای کالایی افزایش یابد، قیمت آن افزایش یافته و تولید آن کالا سودآور می‌شود. سودآوری تولید منجر به افزایش عرضه شده و عرضه کالا به سمت تقاضای کالا حرکت می‌کند. عمل آزادانه مکانیزم قیمت‌ها موجب خواهد شد تا تنها کسانی بتوانند از کالاها برخوردار شوند که قادر باشد قیمت آنها را بپردازد. نتیجه آنکه در این مکانیزم وضعیت کسانی که قدرت خرید کالاها را ندارند مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در واقع جهت‌گیری اصلی مکانیزم قیمت‌ها دستیابی به کارائی بود. بحث عدالت در آن مطرح نمی‌شود. هرچند که حالت رقابت کامل از کارآیی و عدالت نسبی بیشتری نسبت به حالت وجود اعضای و نشست‌های اقتصادی بهره‌مند می‌باشد.

برای دولت‌ها این مسئله مهمی است که بین دستیابی به کارآیی صرف و بی‌عدالتی احتمالی ملازم با آن و یا کارآیی کمتر ولی عدالت نسبی بیشتری را انتخاب کنند. بی‌عدالتی هرچه شدیدتر باشد بحران‌های اجتماعی تشدید می‌شود. گسترش بحران‌های اجتماعی ممکن است حیات اقتصادی و به نفع آن کارآیی را به زیر سؤال ببرد.

این مسئله در شرایط توزیع ناعادلانه درآمد حادثتر می‌شود. از اینرو دولت‌ها برای جلوگیری از گسترش بحران‌های اجتماعی و سیاسی ما عدالت نسبی را به بهای از دست

رفتن بخشی از کارآیی مورد توجه قرار می دهند.

دخالت دولت در مکانیزم قیمت ها و پرداخت سوبسید، در واقع انتخاب عدالت نسبی بیشتر است. اما این عدالت نسبی بیشتر ممکن است کارآیی را به اندازه ای کاهش دهد که بی عدالتی بیشتری را نتیجه دهد. بنابراین مسئله مهم طراحی و اتخاذ مجموعه سیاست هایی است که عدالت نسبی بیشتر کاهش شدید کارآیی و به دنبال آن کاهش عدالت را در پی نداشته باشد.

برای این منظور لازمست تا با مبانی نظری سوبسید آشنایی بیشتری حاصل نمایم. دانش تشریحی ما در این مورد پایه اصلی برای مدلسازی و بررسی نتایج حاصله از آن می باشد.

سوبسید و انواع آن:

در مورد سوبسید تعاریف مختلفی شده است که به دو مورد آن بسنده می کنیم:

۱- سوبسید عبارت است از پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم دولتی - امتیاز اقتصادی - یا اعطای رجحان ویژه ای که به موسسات خصوصی خانوارها و یا دیگر واحدهای دولتی جهت دستیابی به اهداف مورد نظر انجام می پذیرد.

۲- سوبسید عبارتست از کمک های مالی یا معادل آن که به یک خدمت داده می شود گرچه از نگاه سود این خدمت، اقتصادی نباشد ولی از حیث رفاه عمومی لازم است. از بخش ها و کمک های مالی رایگان مالی که دولت به دستگاه تا بعد خود به منظور کمک به یک خدمت عمومی می دهد نیز به همین نام یاد می شود.

اصولاً سوبسیدها را می توان به دو نوع سوبسید مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمود.

سوبسید مستقیم مقدار هزینه هایی است که دولت به طور کلی برای حفظ منافع اقشار جامعه برای خرید کالاهایی می پردازد. این نوع از سوبسیدها از لحاظ ماهیت و عملکرد به دو دسته تقسیم می شوند.

الف: سوبسیدهای تولیدی که با ارائه خدمات مختلف فنی، اطلاعاتی و حرفه ای و با بسط شبکه توزیع از طریق تأثیر بر تولید، سعی دارند تا بخشهای تولیدی نوزاد را به بخشهایی بالغ و خود اتکا تبدیل کنند. کمکهای مزبور شامل کمکهای دولت به کشاورزان و صاحبان صنایع نیز می گردد.

ب: سوبسیدهای مصرفی که از طریق پایین آوردن قیمت کالاهای مصرفی و افزایش قدرت خرید بر سیستم عرضه و تقاضای کالا اثر می گذارد.

سوبسیدهای غیرمستقیم عبارتست از برخی کمکهای دولت به موسسات و شرکت های خدمات عمومی که خدمات آنها را با قیمتی پایین تر از هزینه تمام شده به مصرف کنندگان عرضه می نمایند.

وجه تمایز سوبسیدهای مستقیم و غیرمستقیم را می توان در درجه مشمولیت آن دانست. سوبسیدهای مستقیم جنبه ملی داشته و اصولاً مزایای آن شامل کلیه افراد مملکت می شود و اجرای آن معمولاً بدنبال اهداف سیاسی- اجتماعی است. در حالیکه سوبسید غیرمستقیم فراگیری سوبسیدهای مستقیم را نداشته و هدف اساسی آن تاثیرگذاری بر رشته یا گروه خاصی می باشد و معمولاً اهداف اقتصادی و مالی را دنبال می کند.

خصوصیات سوبسیدها:

- ۱- سوبسید مستلزم مقداری انتقال درآمد است. اعم از آنکه این انتقال بین دولت و بخش خصوصی یا میان گروههای مختلف بخش خصوصی باشد و از لحاظ انتقال مقداری از درآمد نوعی انتقال یک طرفه را در بر می گیرد. به همین جهت است که عده ای برنامه های پرداخت سوبسید را نوعی همه و کمک تلقی می نمایند.
 - ۲- سوبسید از لحاظ ماهیت محدود به گروه خاصی از اجتماع می گردد. این خصیصه، سوبسیدها را از پرداخت های رفاهی دولت متمایز می کند. به عبارت دیگر سوبسید برای تحت تأثیر قرار دادن نمونه و الگوی تولید کالای خاصی یا مصرف گروه خاصی از گروههای اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرد. این در حالیست که سوبسیدهای پرداختی در ایران، عمدتاً تمام گروه های درآمدی را شامل شده است.
 - ۳- سوبسیدها دارای هدف اصلاح یا تصحیح قوای بازار یا قیمت بدون از بین رفتن قوای مذکور هستند. به عبارت دیگر از طریق سوبسیدها رابطه قیمت و هزینه تمام شده در بازار تغییر داده می شوند به نحویکه مشارکت کنندگان در عرضه و تقاضای بازار انگیزه رفتار متفاوتی داشته باشند. در حقیقت اتکاء اصلی به مکانیزم بازار و قوای عرضه و تقاضاست و دولت هم نیت خود را از طریق تأثیر بر عملکرد این نیروها عملی می نماید.
- اگر هرگونه انتقال درآمد از سوی دولت به اقشار خاصی از جامعه سوبسید محسوب شود. براین اساس از یک طرف سوبسید را می توان به دو دسته کلی سوبسیدهای «با سند» و «بدون سند» طبقه بندی نمود. در سوبسیدهای با سند، دریافت کنندگان سوبسید، کالاها را به طور مستقیم دریافت نمی کنند ولی با حق اشتراکی که دارند رسیدهایی دریافت

کرده که به آنها این حق را می دهد که کالاهای ویژه‌ای با آن اخذ نمایند. در سوبسیدهای «بدون سند» از طریق تغییر در قیمت کالا و یا درآمد دریافت کنندگان سوبسید امکان مصرف بیشتری به دست می آورند.

از طرف دیگر می توان سوبسیدها را به سوبسید با تعیین قیمت ثابت، سوبسید با پرداخت نقدی، سوبسید بر واحد کالا و سوبسید بر بهاء کالا طبقه بندی کرد.

سوبسید در جهت حمایت از مصرف کننده با برقراری قیمت ثابت بر روی کالا:

در این نوع سوبسید دولت یک سقف قیمت را که از قیمت بازار کمتر است برای مصرف کننده برقرار می کند. برای بررسی آثار برقراری این نوع سوبسید بحث را از فرد مصرف کننده و محدودیت بودجه او شروع کرده و سپس به بحث بازار می پردازیم.

با برقراری سقف قیمت پایین تر از قیمت بازار، خط بودجه از M_0L_0 به M_0L_1 انتقال می یابد. در نتیجه برای فرد مصرف کننده امکان مصرف بیشتر از کالای X فراهم می شود. و با فرض آنکه کالای X یک کالای نرمال است مصرف آن از X_0 به X_1 افزایش می یابد. در روی نمودار نقطه E_1 نقطه‌ی تعادل جدید است که از مماس نشدن خط بودجه M_0L_1 با بالاترین منحنی مطلوبیت (منحنی U_1) حاصل شده است.

در نقطه‌ی E_1 هزینه پرداختی توسط مصرف کننده برابر با M_0A می باشد در حالیکه هزینه‌ی بازاری برای این مقدار مصرف برابر $M.B$ می باشد. بنابراین دولت برای افزایش مصرف از X_0 به X_1 از طریق کاهش قیمت، بایستی معادل AB واحد سوبسید پرداخت نماید.

در مورد وضعیت بازار، آثار برقراری قیمت ثابت بر روی کالا را به کمک منحنی‌های عرضه و تقاضای بازار مورد بررسی قرار می دهیم.

اگر قوای عرضه و تقاضا به طور آزادانه عمل نمایند نقطه تعادل E_0 ، قیمت P_0 و مقدار g_0 را ارائه می کند. دولت برای آنکه سطح مصرف این کالا در جامعه افزایش یابد و مقدار مصرف از g_0 به g_2 افزایش یابد، اقدام به برقراری قیمت ثابت در حد P_1 می نماید. در این سطح از قیمت، میزان تقاضای بازار به مقدار $(g_2 - g_0)$ افزایش می یابد در حالی که عرضه کنندگان در قیمت P_1 تمایل به عرضه بیشتر از مقدار g_1 نخواهد داشت و در نتیجه به مقدار $(g_2 - g_1)$ در بازار کمبود عرضه به وجود خواهد آمد. دولت برای جبران این کمبود سه راه در پیش دارد:

۱- تمام کمبود را از طریق تولید داخلی تامین کند. یعنی به میزان g_2 در بازار عرضه شود. ولی برای عرضه کالا به مقدار g_2 قیمت باید به اندازه P_2 افزایش یابد. از این رو اگر تمام عرضه از طریق تولید داخلی تامین گردد دولت بایستی به میزان $(P_2 - P_1) * g_2$ سوبسید به تولید کنندگان پردازد.

۲- تمام کمبود از طریق واردات تامین گردد. یعنی به مقدار g_1 از تولید داخلی تامین گردیده و به مقدار $(g_2 - g_1)$ واردات انجام شود.

۳- قیمتی از کمبود از طریق تولید داخلی و قسمتی نیز از واردات تامین گردد. به طور مثال به مقدار og_0 از طریق تولید داخلی و مقدار $(g_2 - g_0)$ نیز از طریق واردات تامین گردد. در این صورت دولت باید به میزان $(P_0 - g_1) * g_0$ به تولید کنندگان سوبسید پرداخت نماید.

سوبسید در جهات حمایت از مصرف کننده از طریق پرداخت‌های انتقالی

نقدی:

در این روش به جای دخالت مستقیم در مکانیزم قیمت‌ها و یا کنترل آن برای جبران کاهش قدرت واقعی خرید مصرف کننده در مقابل افزایش قیمت، دولت مقداری درآمد به او انتقال می‌دهند. در این صورت اگر دولت خواهان افزایش مصرف کالای خاصی باشد این انتقال درآمد به میزانی خواهد بود که درآمد واقعی مصرف کننده افزایش یافته و امکان مصرف بیشتر کالاها فراهم شود. برای بررسی اثرات پرداخت‌های انتقالی بر میزان مصرف، تحلیل خود را در دو سطح فرد مصرف کننده و بازار انجام می‌دهیم.

ابتدا فرد مصرف کننده‌ای را که با توجه به محدودیت بودجه سعی بر حداکثر شدن

مطلوبیش دارد مورد بررسی قرار می‌دهیم.

محدودیت بودجه مصرف کننده (خط M_0L_0) با بالاترین منحنی مطلوبیت قابل دسترس یعنی U_0 مماس شده است و نقطه E_0 نشانگر وضعیت تعادل با مقدار مصرف X_0 از کالای X می باشد. فرض کنید که قیمت این کالا در بازار افزایش یابد. در این صورت خط بودجه از M_0L_0 به M_0L_1 منتقل می شود و قدرت واقعی خرید مصرف کننده کاهش یافته و در نتیجه میزان مصرف او کاهش می یابد. در این سطح مطلوبیت از U_0 به U_1 کاهش یافته و نقطه تعادل E_1 مقدار مصرف X_1 را ارائه می کند.

بیشتر از X_0 بایستی به میزانی بیشتر از M_1M_0 به مصرف کننده پرداخت نقدی نماید.

در سطح بازار از برابری عرضه و تقاضا نقطه تعادل E_0 بر روی نمودار زیر حاصل می شود که قیمت P_0 و مقدار g_0 را به بازار دیکته می کند.

اگر دولت هدفش ثابت نگه داشتن سطح رفاه مصرف کننده باشد در این صورت با پرداخت M_2M_0 به صورت نقد، درآمد مصرف کننده را افزایش داده و سطح مطلوبیت U_0 حفظ خواهد شد، ولی در این صورت به دلیل اثرات جانشینی، مقدار مصرف X_0 (مقدار قبلی) نخواهد بود و به مقدار X_2 که از X_1 بزرگتر و از X_0 کوچکتر است، خواهد رسید.

چنانچه دولت هدفش ثابت نگه داشتن سطح مصرف X_0 در مقابل تغییرات قیمت باشد در این صورت بایستی به اندازه M_1M_0 به صورت نقد به مصرف کننده پرداخت نماید. این شرایط رفاه مصرف کننده افزایش می یابد و به U_2 می رسد ولی سطح مصرف در همان X_0 باقی خواهد ماند. برای افزایش سطح مصرف اگر دولت خواهان آن باشد که مقدار بیشتری از این کالا مصرف شود. به طور مثال اگر سطح مصرف g_1 هدف باشد، می تواند از طریق پرداخت های نقدی، منحنی تقاضای بازار را به سمت راست یعنی Δ_1 انتقال دهد. در سطح تعادل جدید E_1 قیمت P_1 و مقدار g_1 خواهد بود.

انتقال موازی منحنی تقاضا بستگی به آن دارد که دولت همه اقشار جامعه را به یک نسبت تحت پوشش قرار دهد و یا برخی از اقشار خاصی را مشمول سوبسید نماید، که در صورت اخیر انتقال غیرموازی منحنی تقاضا را به همراه خواهد داشت. اگر بخشی از درآمد انتقال یافته طرف خرید کالاهای دیگر شود، مقدار مصرف این کالا از مقدار g_1 کمتر خواهد بود.

از جمله مزیت های پرداختی انتقالی نقدی می توان به دو مورد اشاره نمود.

۱- پول نقد قابلیت انعطاف بیشتری برای دریافت کننده آن به همراه دارد. زیرا پول نقد

را می توان برای خرید کالاهای مختلف خرج کند.

۲- پرداخت های موردی یا غیرنقدی ممکن است با ترجیحات مصرف کننده سازگار

نباشد.

حمایت از مصرف کننده و تولید کننده با استفاده از روش سوبسید بر واحد

کالا:

در این روش به جای کنترل قیمت برای افزایش مصرف و یا تولید، به هر واحد کالا

سوبسید ثابتی وضع می شود. برای مصرف کننده این بدان معنی است که در هر سطح از

قیمت، قدرت خرید او افزایش یافته است و برای تولید کننده نیز بدان معنی است که در

هر سطح از تولید میزان هزینه نهایی او کاهش یافته و امکان تولید بیشتر در سطح قیمت

های قبلی فراهم می شود. برای بررسی اثرات وضع این سوبسید، سوبسید بر هر واحد

مصرف و بر هر واحد تولید را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم:

۱- سوبسید بر هر واحد مصرف:

در سطح بازار وضع این سوبسید موجب انتقال منحنی تقاضا به سمت راست می شود و

در واقع مقدار مصرف از کالای مورد نظر افزایش می یابد. علت این امر آنست که با وضع

سوبسید، در کلیه سطوح قیمت، قیمت کالا کاهش می یابد و با ثابت بودن سایر شرایط،

درآمد واقعی مصرف کنندگان افزایش یافته، که منجر به افزایش مصرف می شود.

در روی نمودار، قبل از وضع سوبسید بر هر واحد کالا، منحنی تقاضا D_0 و منحنی

عرضه S_1 در نقطه E_0 همدیگر را قطع نموده و مقدار g_0 و قیمت P_0 را به بازار دیکته می کند. دولت برای آنکه سطح مصرف به g_1 برسد معادل g واحد بر هر واحد کالا سوبسید وضع می کند که در نتیجه با کاهش نسبی این کالا، منحنی تقاضا به D_1 منتقل شده و مقدار مصرف از g_2 به g_1 افزایش می یابد.

میزان اثرگذاری این نوع سوبسید برای افزایش مصرف کالا، بستگی به کشش توابع عرضه و تقاضا دارد. هرچه کشش توابع عرضه و تقاضا کمتر باشد میزان اثرگذاری کمتر خواهد بود.

منحنی S'_1 در نمودار نشانگر یک منحنی عرضه با کشش کمتر است که پس از وضع سوبسید بر واحد مصرف مقدار g_2 را دیکته می کند که نسبت به منحنی با کشش S_1 مقدار مصرف کمتری خواهد بود.

۲- وضع سوبسید بر هر واحد تولید:

سوبسید بر هر واحد تولید، عموماً مقدار تولید بهینه تولید کننده را تغییر می دهد. فرض کنید که دولت بر هر واحد تولید به اندازه t ریال سوبسید وضع نماید. با وضع این سوبسید هزینه کل تولید کننده نوعی به صورت زیر خواهد بود.

$$C = f(q) + b - tq$$

که در آن C هزینه کل بنگاه، $f(q)$ هزینه متغیر، b هزینه ثابت، q تولید بنگاه و t مقدار سوبسید بر واحد تولید است. در حالت رقابت کامل مقدار بهینه تولید بنگاه از برابری هزینه نهایی با قیمت حاصل می شود یعنی:

$$MC = P \Rightarrow \begin{aligned} f(q) - t &= P \\ MC - t &= P \end{aligned}$$

تولید کننده هزینه نهایی تولیدش را پس از کسر کردن سوبسید برابر قیمت می گرداند. با حل معادله فوق بر حسب q برای کلیه سطوح قیمت مساوی یا بزرگتر از حداقل هزینه متوسط، منحنی عرضه برای یک تولید کننده نوعی بدست می آید:

$$QS = S_i(P + t)$$

با فرض همگن بودن کالا، تابع عرضه بازار به وسیله حاصل جمع کلیه توابع عرضه تولید کنندگان بدست می آید:

$$S = \sum_{i=1}^n S_i(P + t)$$

منحنی عرضه بازار تابعی از قیمت خالص $(P+t)$ می باشد. بر روی نمودار، قبل از

وضع سوبسید منحنی عرضه بازار S_0 با منحنی تقاضا در نقطه E_0 یکدیگر را قطع نموده و مقدار g_0 و P_0 را به بازار دیکته می کند. با وضع سوبسید تولید کنندگان مقدار g_0 را با قیمت $(P-t)$ عرضه می کنند. این بدان معنی است که با وضع سوبسید منحنی عرضه به سمت پایین منتقل می شود و امکان مصرف بیشتر فراهم می شود.

آثار اقتصادی:

سوبسید مستلزم مقداری انتقال درآمد است اعم از اینکه این انتقال بین دولت و بخش خصوصی یا میان گروه‌های مختلف بخش خصوصی از گروهی به گروه دیگر باشد. ولی رویهم رفته انتقال درآمدی سوبسید یک نوع انتقال یکطرفه است آن را به تفسیری می توان نوعی کمک تلقی کرد. ولی نکته ای را که نمی بایست از نظر دور داشت نقل و انتقال درآمدی بین گروه‌های مختلف بخش خصوصی است. به عبارت دیگر این تنها دولت نیست که سوبسید پرداخت می کند چرا که در بعضی موارد تولید کننده و مصرف کننده نیز ملزم به پرداخت سوبسید می شوند بطور مثال در مواردی که تولید کننده ملزم به عرضه کالا (به دولت) با نرخ های پائین تر از قیمت بازار می شود. این تفاوت مقدار سوبسیدی است که تولید کننده پرداخت می کند و عکس این قضیه نیز می تواند صادق باشد یعنی تعیین نرخ های بالا برای کالاها جهت نوعی حمایت (حمایت از تولید کننده) ممکن است موجب پرداخت سوبسید از طرف مصرف کننده به تولید کننده شود. اگرچه نوعاً این موارد جزو اقلام سوبسید محسوب می شود و در محاسبه قیمت یک کالا تمامی این موارد مد نظر قرار می گیرد.

اگرچه سوبسیدها برحسب منافع مورد تأیید که عاید عموم مردم می کنند پایه گذاری شده اند نهایتاً منتج به یکی از دو حالت مالیات بندی بالاتر و یا قیمت گذاری بیشتر بر کالای مصرفی می گردد. چرا که پرداخت سوبسید علی رغم هرگونه توجیه و تفسیر یک قلم هزینه می باشد. اگرچه چنین هزینه (زیان) در جهت رفاه عمومی و کاهش فشارهای تورمی باشد. لیکن در تحلیل نهائی هزینه های ناشی از پرداخت سوبسید نوعی بار مالی است که بدوش دولت "که مخارج آن تا حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی است" گذاشته شده است. و در حقیقت در کل نظام اقتصادی گامی در جهت متعادل ساختن کفه ها برداشته نشده است و بلکه فقط محل وزنه ها تغییر یافته و یک اشتباه کوچک حتی در انتخاب ممکن است موجب بهم خوردن تعادل شود. کلام ساده اینکه بدلیل ماهیت این چنین هزینه ها (بدون بازگشت) ملت از ثمرات توسعه در بلند مدت نیز محروم می گردد. از جمله دلایل موارد ذیل در صدر امور می باشد.

۱- بودجه محدود دولت صرف هزینه های جاری می گردد و نظام مصرفی کمابیش ادامه می یابد.

۲- محدودیت های بودجه ای ناشی از مخارج دولت مانع از آن می شود که دولت در کانالها و بخش های ثمر بخش تر و سودمندتری که جنبه زیربنائی دارد آغاز فعالیت کند.

۳- از آنجائیکه منابع مالی مخارج مزبور متکی به بافت سالمی نمی باشد و محدودیت های بودجه ای موجب کاهش کمی اقلام تحت پوشش سوبسید گشته و این خود در فرآیند تولید و مصرف اثرات بنیادی نامطلوبی را بجا خواهد گذاشت.

۴- جهت تامین بودجه برای سوبسیدهای روز افزون ممکن است دولت اقدام به اخذ مابه‌التفاوت از کالاهای وارداتی و پرداخت آن به تولیدات داخلی بشود. که انتخاب و میزان مابه‌التفاوت از کالای مورد نظر اگر در ظاهر قابل قبول باشد ولی ثمرات منفی آن در بلند مدت ممکن است بسیار نامطلوب باشد.

پرداخت سوبسید همچنین ممکن است موجب تشویق و حمایت از تولید کنندگان نالایق گردد. جهت پی بردن به نتایج و مطلوبیت سوبسید ناگزیر از مقایسه منافع عمومی (امری که معمولاً اندازه گیری آن مشکل و پیچیده است) در ارتباط با مخارج بکار گرفته شده بر حسب قیمت ها و مالیات های بالاتر و عدم کارایی، منتج از این نظام می باشیم.

در بعضی موارد منافع عموم فریبنده تر از واقعیات جلوه می کند علی‌الخصوص در مواردی که سوبسید به عنوان یک ابزار در مکانیزم قیمت ها مداخله کند. عدم کارایی (نسبت مقدار تولید شده به مقدار عامل بکار گرفته شده) که در این امر حاصل می شود شاید که بیش تر از منافع بدست آمده باشد. در صورتیکه سوبسیدها در راستای تولید یا سایر فعالیتهای اقتصادی در سطح مطلوب اجتماعی برقرار نشوند، منتج به انتقال درآمد ثابت از دولت به بخش ها (صنایع) محدود می گردد. در چنین مواردی، سوبسیدها هنوز ممکن است بدلیل امکان افزایش درآمدی که نصیب بخش های دریافت کننده و صنایع تا یک حد معقول و مطلوب اجتماعی می کنند قابل توجیه باشند. حتی در این موارد نیز منابعی که اقتصاد قادر به استفاده های سود بخش تر بود، به منظور تشویق در حفظ صنایع سوبسیدی که ارزش بازده آن برای جامعه شاید کمتر باشد بکار گرفته می شود.

به عنوان یک قاعده کلی برنامه های سوبسیدی می تواند به نحوی طراحی شوند که در طی زمان، لزوم استمرار خود را حذف کنند. کوتاهی در تطبیق سیاست سوبسید با تغییر وضع موجود مقدمات برقراری یک پرداخت نالازم ابدی را فراهم ساخته و از بهترین اسلوب بکارگیری منابع در عملکردهای سوبسید ممانعت بعمل می آورد و چه بسا که این تلاش در سایر مساعی اقتصادی مفیدتر باشد. بنابر نظر اکثر اقتصاددانان سوبسیدهای مستقیم از مزایای زیر برخوردار می باشند.

۱- سهولت ثبت و طبقه بندی اقلام سوبسید در سطح ملی.

۲- کاهش معضلات روند سیاسی.

۳- فراهم ساختن هرچه بیشتر موجبات مقایسه مابین مخارج و منافع خصوصی و عمومی.

۴- به حداقل رساندن انتقالات در آمدی در عملیات سیستم قیمتها.

ولی در هر حال کشورها در اکثر موارد مجبور به پرداخت سوبسید برای اقلام خاصی، مخصوصاً مواد غذایی می شوند در این صورت برقراری سوبسید می بایست با پاسخگویی به سوالات زیر طرح و اجرا شود.

۱- چه کسانی بطور مستقیم از سوبسید مواد غذایی بهره مند می شوند؟

۲- گروههای مصرف کننده تا چه اندازه از طریق کاهش قیمتهای بازار، بطور

غیرمستقیم از کمک بهای مواد غذایی بهره مند می شوند؟

۳- به چه میزانی تولید کنندگان از قیمتهای حمایتی مصرف کنندگان و قیمتهای

مجازی فرآوردهایشان متاثر می شوند؟

۴- تأثیر خالص کمک بهای مواد غذایی و قیمت‌های مجازی زراعی در توزیع درآمدها

چقدر است؟

که به کلیه این سوالها در طول گزارش به تدریج جواب داده خواهد شد.

سوبسید در ایران:

سوبسید به عنوان یک ابزار اقتصادی، با توجه به مفهوم خاص و کاربردی آن در جهان امروز، حاصل تحولات اجتماعی دنیای غرب و گرایش‌های نظری اندیشمندان مختلف و حتی با عقاید متضاد بوده است. با امید اینکه تصویری جامع از تعاریف و علل پیدایش در نظام های مختلف و نهایتاً تأثیرات اقتصادی این سیاست با توجه به تنوع بالنسبه فراوان کاربردی آن ارائه شده باشد. در این فصل سعی بر آن خواهد شد که سوبسید در ایران مورد تفحص و بررسی قرار گیرد.

شایان ذکر است از آنجا که در طول قرن‌ها گرایش‌های نظری در کشور ما از پایگاه مستحکمی برخوردار بوده و به عبارت دیگر تعالیم عالییه اسلام و رهنمودهای کاملاً مشخص و منظم فقهی در طول تاریخ مورد استفاده قرار گرفته (اینکه در عمل تا چه اندازه از این مفاهیم متعالی استفاده شده یا نه خود مقوله ای است جدای از این بحث...) و بهمین لحاظ اصل و ماهیت مسئولیت حکومت در قبال مردم و تعهدات تک به تک افراد در فراسوی مسائل جاری امری واضح و روشن بوده است. لذا در طول تاریخ ایران پس از اسلام و تا ابتدای قرن حاضر نیاز به ارائه یک روش جدید و یا یک ایده متمایز چندان

ضروری بنظر نمی رسید و سیستم مالی اقتصادی دولتها بدون یک تغییر اساسی و بنیانی علی رغم تغییر و تبدیل حکومت ها- از یک روش یکدست و یکنواختی پیروی می کردند. اگرچه با توجه به شرایط ویژه هر دوران اقداماتی نیز صورت پذیرفته است که شاید بتوان آنها را به نوعی تعبیر و تفسیر نمود. بدین لحاظ با ذکر چند نمونه از چنین اقداماتی، علل پیدایش و سیر تحول سوبسید در ایران و اشکال مختلف بکارگیری و عملکرد این ابزار اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و نهایتاً کالاهای تحت پوشش سوبسید در ایران بصورت مجزا بررسی خواهند شد.

نحوه پرداخت سوبسید در کشورهای صنعتی:

هرگاه افراد و خانوارهایی که از مواهب سوبسید برخوردار می گردند را به مصرف کنندگان و تولید کنندگان تقسیم نمائیم، در غالب کشورهای صنعتی در مورد کالاهای اساسی کشاورزی سوبسید تنها به تولید کنندگان این کالاها تخصیص می یابد و نحوه پرداخت سوبسید بدین شکل است که دولت با احتساب نرخ تضمینی برای محصولات کشاورزی که غالباً بالاتر از قیمت بازار است در مقابل دریافت محصول به تولید کنندگان می پردازد و در فرآیند کاشت، داشت، برداشت و قیمت نهاده‌ها دخالت نمی کند. این روش دخالت دارای آثار مثبتی بر تولید و تخصیص بهینه منابع می باشد.

مصرف کنندگان در این کشورها قادرند با درآمدی که کسب می نمایند به نرخ بازار، این کالاها را خریداری نمایند و حتی گاهی با دخالت و گرفتن تعرفه از کالاهای وارداتی، قیمت برای مصرف کننده را نسبت به قیمت بین‌المللی آن کالا در حد بالاتری نگه می

دارند.

برای مثال در ژاپن، دولت برنج و نگوشت وارداتی را به ۶ تا ۸ برابر قیمت بین‌المللی در اختیار مردم می‌گذارد و با همین نرخ‌ها نیز از کشاورزان محصولات آنها را می‌خرد. دلائل اینکه مصرف‌کنندگان در این کشورها حمایتی را از سوی دولت دریافت نمی‌کنند، را می‌توان در توزیع مناسب درآمد و بالا بودن سطح درآمد سرانه در این کشورها دانست.

با توجه به تجربیات بدست آمده از روند توسعه، اقتصادی در کشورهای صنعتی، اقتصاد دانان معتقدند، در مراحل اولیه توسعه، توزیع درآمد نامتعادل گشته اما با ورود به مرحله تولید انبوه و شکوفایی اقتصادی، توزیع درآمد در جامعه متعادل خواهد شد و همین موضوع، مشکل مهم کشورهای در حال توسعه یعنی فقرای شهری و روستایی را در کشورهای صنعتی تا حدود زیادی حل نموده و افراد از رفاه مناسبی برخوردار می‌گردند. در مورد اهداف سوبسید به تولیدکننده نیز تفاوت‌هایی بین کشورهای در حال توسعه و تعدادی از کشورهای صنعتی وجود دارد، گرچه همه کشورها در درازمدت دارای هدفی مشترک که آن افزایش تولیدات محصولات کشاورزی است، می‌باشند، اما در کوتاه مدت در کشورهای اروپایی و بخصوص ایالات متحده، امریکا که از آب و هوای مناسب و تکنیک لازم تولید برخوردار هستند یکی از اهداف پرداخت قسمت عمده سوبسید در بخش کشاورزی محدود نمودن سطح زیر کشت محصولات و جلوگیری از مازاد تولید این محصولات است. در صورت عدم پیش‌گیری با کاهش شدید قیمت‌ها و

زیان کشاورزان مواجه شده و عدم تعادل در تولید و مصرف بوجود می آید.

“به همین منظور دولت آمریکا برای محدود کردن تولید محصولات کشاورزی از سال ۱۹۵۶، برنامه بانک خاک را اجرا نمود. در این برنامه دولت قیمت محصولاتی را تثبیت و تضمین و به قیمتی بالاتر از قیمت بازار به کشاورزان می پردازد. بانک خاک دارای یک برنامه آیش کوتاه مدت و یک برنامه نگهداری و بقاء خاک در دراز مدت می باشد. این برنامه باعث کاهش ذرت، پنبه، گندم، برنج، توتون و بادام زمینی گردید. کشاورزان بنا به قانون وزارت کشاورزی زمینهایی را که به آیش گذاشته اند و بازای آن، معادل سودی را که از راه کشت زمین بدست می آوردند دریافت می کنند. این برنامه طویل المدت، داوطلبانه بوده و از ۲ تا ۱۰ سال می باشد و در طی این مدت کمکی برابر ۸۰ درصد از درآمدی که از طریق کاشت بدست می آورند، دریافت می کنند.”

در کشورهای صنعتی اروپای غربی سالانه بخاطر عدم نفع ناشی از نکاشتن ۴/۵ میلیون هکتار زمین به پرداخت سوبسیدی معادل ۲۰ میلیارد دلار اقدام می کنند.
“تمامی کشورهای توسعه یافته صنعتی برای سطح وسیعی از کالاها، حمایت اساسی (سوبسید) را تدارک می بینند، این هزینه ها بطور مشخصی برای تولیدات کشاورزی اخیراً افزایش یافته است.

بعنوان مثال طی چهار سال منتهی به ۱۹۸۵ م. ایالات متحده و بازار مشترک هر کدام حدود ۶۰ میلیارد دلار بابت حمایت از امور کشاورزی و زراعت صرف کرده اند و طی سالهای ۸۳-۱۹۸۰ م. تقریباً ۵۱ میلیارد دلار توسط ژاپن هزینه شده است که بر بودجه های

فوق می بایست درآمدهای انتقالی مصرف کننده به تولید کننده را که ناشی از قیمت های بالای حمایت شده داخلی است اضافه نمود.

جدول (۱-۲) میزان سوبسید دریافتی تولید کننده به طریق درصدی از فروش کالاهای حمایت شده در کشورهای توسعه یافته، صنعتی را نشان می دهد. این آمار که مربوط به سالهای ۸۵-۱۹۸۲ می باشد گویای گستردگی نظام حمایتی از کالاهای اساسی کشاورزی یعنی ذرت، برنج، گندم، شکر و شیر می باشد. در حالیکه هیاهوی جهانی بر سر حذف سوبسیدها از سوی این کشورها مطرح می باشد می توان علاوه بر جنبه های اقتصادی و حمایت از کشاورزان، جهت گیری های سیاسی را از پرداختها بخوبی مشاهده نمود. این سوبسیدها متمرکز در کالاهای کشاورزی شده است که جهان سوم بخاطر عدم نیاز به تکنیک های پیچیده و وجود نیروی کار ارزان قادر به تولید و رقابت با آنها می باشند، یکی از مواردیکه سیاسی بودن این سوبسیدها را نشان می دهد، در مورد محصول شکر بوده، که با حمایت ۱۴۲ درصد بازار مشترک و ۱۳۹/۶ درصد آمریکا نسبت به قیمت فروش در سال ۱۹۸۵ از بیشترین سطح حمایت برخوردار بوده است. باتوجه باینکه کشورهای در حال توسعه، برزیل، هندوستان، کوبا با توجه به نیروی کار ارزان با قیمتی پائین تر توان تولید آنها دارند، می توان این حمایت ها را ابزار فشاری برای این کشورها بخصوص کشور انقلابی کوبا که ۹۲ درصد از صادرات این کشور را شکر تشکیل می دهد، بحساب آورد.

چگونگی پرداخت سوبسید در کشورهای در حال توسعه:

در این کشورها با توجه به ساختار اقتصادی آنان، مصرف کنندگان و تولید کنندگان کالاهای اساسی کشاورزی، هر دو گروه می باید تحت سیاست های حمایتی دولت قرار گیرند.

بنا به قوانین رشد سرمایه داری در فرآیند توسعه اقتصادی، در مراحل اولیه که تجهیز برای خیز اقتصادی می باشد، توزیع درآمد ناعادلانه می شود و متأسفانه اغلب این کشورها سالیان درزا در این مرحله درجا زده و بسوی جهش و رونق اقتصادی گامی به پیش ننهادند.

وجود توزیع نامتناسب درآمدها سبب متراکم شدن امکانات و ثروت های جامعه در ۱۰ تا ۲۰ درصد از گروه های بالای درآمدی شده و علاوه بر این پائین بودن سطح درآمد سرانه ملی، عاملی گشته تا گروه کثیری از اقشار مردم تبدیل به فقرای شهری و روستایی شوند، که حتی توانایی تامین حداقل معیشت خود را نداشته باشند و هرگاه قیمت کالاهای اساسی و ضروری به قیمت بازار ارائه شود فقر و گرسنگی بخش عظیمی از مردم جامعه را تهدید نموده که این خود باعث تشنج های سیاسی و جلوگیری از حرکت کند چرخ های توسعه در این کشورها می شود.

پس یکی از وظایف مهم دولتها تامین حداقل مایحتاج عمومی مردم در قیمت های مناسب با توجه به سطح درآمد عمومی مردم می باشد و از ویژگی سوبسید در بخش کالاهای اساسی در این گروه کشورها، سوبسید به مصرف کننده است که بخش مهمی از

سوبسید پرداختی را در این کشورها بخود تخصیص می دهد. برای نمونه در ایران از کلیه پرداختهای سوبسیدی به کالاهای اساسی کشاورزی در طول دوره ۶۴-۱۳۵۲ تنها حدود ۲۱ درصد به تولید کنندگان اختصاص یافته است.

بخش های تولید کشاورزی این کشورها غالباً با مشکلات عدم کارایی، پائین بودن عملکرد در واحد سطح، عدم دسترسی به نهاده های مناسب، سنتی بودن روش تولید، بالا بودن سنین کشاورزان مواجه بوده و بخاطر عدم توانایی مالی و قدرت مدیریت و برنامه ریزی، اغلب میزان حمایت از بخش تولیدات کشاورزی اندک می باشد.

آثار اقتصادی حذف سوبسید:

عمده ترین پرداخت های سوبسید، به دو گروه عمده، سوبسید تولیدی و مصرفی تقسیم می گردد که هر یک از این پرداخت ها دارای آثار متفاوتی بر اقتصاد جامعه می باشد. علاوه بر اینکه سوبسید بر دو تابع مصرف و تولید اثر مستقیم می گذارد، بعلت تاثیرپذیری متغیرهای مختلف اقتصادی از یکدیگر می توان انتظار داشت، متغیرهای دیگری از جمله شاخص قیمت ها، تورم، توزیع درآمد و عرضه و تقاضای کالای مشمول سوبسید نیز از آن متاثر گردند. در اینجا به آثار حذف سوبسید بر تولید و مصرف کنندگان می پردازیم.

آثار اقتصادی حذف سوبسید بر تولید کنندگان:

در سیستم های مبتنی بر بازار، دولت در مواردی مبادرت به پرداخت سوبسید به تولید می نماید که از جمله، این موارد عبارتست از: تنظیم و تعادل در عرضه و تقاضای کالا، حمایت از تولید کنندگان محصولات کشاورزی، حمایت از صنایع نوپا و یا مادر و

حمایت از بازار صادراتی یک کالا در مقابل رقابت های مخرب. در اغلب کشورها از جمله کشورهای صنعتی، سوبسید در جهت حمایت از تولید محصولات کشاورزی پرداخت می گردد. هرگاه سوبسید تولیدی منجر به کاهش هزینه های تولید و یا افزایش قیمت برای تولید کننده شود و در نهایت سبب افزایش سود تولید کننده گردد، در صورت وجود ظرفیت های بالقوه برای افزایش تولید، تجارب و مطالعات نشان داده است که تولید آن کالا افزایش می یابد.

“نقش قیمت محصولات و نهاده ها را در تخصیص منابع در تبدیل کشاورزی سنتی به مدرن را نمی توان نادیده گرفت. راه کار آمد دیگری نیز وجود ندارد، عدم کاراییهای ذاتی موجود در نوسانات شدید قیمتهای کشاورزی مورد آزمون دقیق قرار گرفته است. پیشنهاد قیمتهای سلف برای کشاورزی در جهت مقابله با تاثیرات منفی نوسان قیمتها در تخصیص منابع یکی از راه های منطقی و امکان پذیر این اصلاح است.”

به این ترتیب، سوبسید به تولیدات محصولات کشاورزی، اصلی پذیرفته شده در غالب کشورها از جمله در ایران می باشد و جهت گیری سوبسیدها، به سوی تولید محصولات کشاورزی است و پیشنهاد شورای اقتصاد در تخصیص ۵۵۱ میلیارد ریال سوبسید به محصولات اساسی کشاورزی در سال ۱۳۷۰، که حدود ۱۶۱ میلیارد ریال برای افزایش قیمت های تضمینی این محصولات می باشد. نشانگر توجه دولت به این حمایت ها می باشد. لذا پرداختن به آثار حذف این سوبسیدها غیر ضروری و آنچه بیشتر حذف آن مورد نظر می باشد، سوبسیدهای مصرفی است.

آثار حذف سوبسید بر مصرف کنندگان:

هرگاه هماهنگ با افزایش رشد اقتصادی در جامعه، سطح درآمدها به شکل متناسب افزوده گردد، درآمد افراد جامعه افزایش یافته و وجود رشد اقتصادی در بلند مدت، سبب افزایش قدرت خرید مصرف کننده می گردد. در یک اقتصاد سالم و پویا که در آن نرخ بیکاری پایین و رشد اقتصادی وجود داشته باشد، معمولاً سوبسید به مصرف کننده به مفهومی که امروزه در برخی از کشورها مرسوم است، متداول نیست.

در این کشورها، درآمد سرانه بالاست که این حاکی از بالا بودن درآمد ملی و سطح تولیدات در آن کشورها می باشد. همچنین تجربه نشان داده است که با افزایش رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی توزیع درآمد نیز عادلانه تر می گردد. پس درآمد سرانه و توزیع درآمد. دو عامل مهم در سطح کلان هستند که می تواند، نشانگر میزان رفاه یا فقر در یک جامعه باشد.

اقتصاد دانان توسعه متخصص اقتصاد کشورهای جهان سوم در جهت شناخت تنگناها و دادن الگوی رشد برای این کشورها می باشند. آنان موقعیت ۹ گانه ای را در نظر می گیرند که هر یک از کشورها با توجه به درآمد سرانه و توزیع درآمد در یکی از این مراحل قرار دارد که تا حدودی می تواند نشانگر وضعیت فقر در آن جوامع باشد.

اغلب کشورهای جهان سوم در وضعیت (۱) و (۴) این جدول جای می گیرند زیرا "کشورهای توسعه نیافته، بنا به ماهیت توسعه نیافتگی در وضعیتی زندگی می کنند که سطح علوم و فنون بسیار پائین و بخشی از فعالیت های اقتصادی آنان بر پایه علوم و فنون

قبل از انقلاب صنعتی بنیان گرفته است و در نتیجه مقدار تولید سرانه بسیار پائین است. از طرف دیگر، الگوی توزیع درآمد در اغلب این کشورها به دلایل متعدد اجتماعی-سیاسی بسیار نابرابر است.

لذا این کشورها عمدتاً در وضعیت شماره (۱) جدول قرار می گیرند و تقریباً همگی از فقر بسیار گسترده رنج می برند. بعلاوه مطالعات نظری و تجربی در زمینه توسعه اقتصادی نشان می دهد که حل و فصل هیچ یک از دو مشکل مورد اشاره در کشورهای توسعه نیافته، (عقب ماندگی علمی-فنی و عدم تعادل شدید در الگوی توزیع درآمد) در زمانی کوتاه امکان پذیر نیست. در این زمینه حداقل چهار استراتژی کلی در فرآیند توسعه ای کشورهای غیر کمونیستی وجود دارد. که حرکت در تمامی این استراتژیها، از وضعیت تولید سرانه کم، توزیع شدیداً نابرابر درآمد و فقر گسترده شروع می گردد و در نهایت به تولید سرانه زیاد، توزیع درآمد متعادل و فقر بسیار محدود ختم می گردد. پس در طی تمامی این روندها وجود سطحی قابل توجه از فقر و محرومیت محتمل است."

به همین دلیل، در این کشورها، نظام فعال تامین اجتماعی و سوبسید به مواد غذایی برای جلوگیری از فقر بسیار گسترده از وظایف مهم دولت محسوب می گردد.

با تنگناهای درونی و موانعی که از سوی قدرتهای بزرگ اقتصادی بر راه توسعه اقتصادی، کشورهای جهان سوم قرار داده می شود، تا کنون بجز تعداد اندکی از این کشورها، توانایی جهش و رسیدن به مرحله تولیدات انبوه را نداشته اند.

در مرحله گذار به سوی توسعه اقتصادی، حذف سوبسید مواد غذایی و مصرفی

نمی تواند عاملی در جهت تسریع در رشد اقتصادی باشد، بلکه بالعکس گرانی و تشدید فقر، عامل مهم مشارکت مردمی در فرآیند توسعه و انگیزه های همیاری عمومی با مسئولان را کاهش و فاصله ای در بین اهداف مردم و مسئولین نظام بوجود می آورد که عامل نیرومندی در جهت کند نمودن حرکت توسعه اقتصادی این کشورها می شود.

با این ابزار تحلیلی یعنی چگونگی توزیع درآمد و تولید ناخالص سرانه به برآوردی از فقر در اقتصاد ایران می پردازیم. با توجه به اطلاعات موجود در این خصوص به بررسی فقر در سال های اخیر، از جمله سال ۱۳۶۷ که بعنوان سال پایه و سال قبل از اجرای برنامه پنجساله اول جمهوری اسلامی می باشد، پرداخته تا چگونگی ضرورت اعمال سیاست های حمایتی دولت از مصرف کننده مشخص گردد.

منابع:

- ۱- بررسی انواع سوبسید و جنبه های مختلف اقتصادی آن، فیروز پورآذر، بهمن ماه ۱۳۶۹، در گروه تحقیقات بازرگانی داخلی، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ۲- تحلیل و بررسی اقتصادی سوبسید، عباس رحیمی و عباس کلانتری، اسفند ۱۳۷۱، واحد تحقیقات بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ۳- بررسی آثار وضع سوبسید، حمید رضا طباطبایی، موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: H.H
Keywords:
Comments:
Creation Date: 3/18/2012 11:16:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: H.H
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 3/18/2012 11:16:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 30
Number of Words: 4,580 (approx.)
Number of Characters: 26,107 (approx.)